

## بررسی مسئله جزایر سه گانه در دوره پهلوی

### با نگاهی به عملکرد دولت و مجلس

(۱۳۵۰-۱۳۳۲ ه.ش.)

فاطمه امیری پری

کارشناس ارشد مطالعات خلیج فارس

#### چکیده

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در پیوند با خلیج فارس در دوره پهلوی مورد توجه قرار گرفته، موضوع جزایر سه گانه ایرانی است. جزایر تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی، سه جزیره قوسی شکل مهمی است که به دلیل موقعیت راهبردی و به عنوان دژ دفاعی در نزدیکی تنگه هرمز، جزو نقاط بااهمیت در مرز آبی بین ایران و طوایف عربی خلیج فارس به شمار می‌رود. این جزایر در طول تاریخ، همواره متعلق به ایران بوده و هیچ‌گاه سرنوشتی مجزا از تاریخ این سرزمین نداشته است. اما با حضور انگلستان در خلیج فارس و حمایت‌های آن از طوایف عربی به منظور تسلط بر این مناطق، تاریخ این جزایر تحت الشعاع سیاست‌های این کشور قرار گرفت. اهمیت مسئله، به گونه‌ای بود که بعد از کودتای ۲۸ مرداد در کشور و از سرگیری تلاش‌ها برای اعمال قدرت در منطقه خلیج فارس از سوی ایران، موضوع جزایر، بار دیگر در دستور کار دولت‌های وقت قرار گرفت. توجه به این مسئله که دولت پهلوی و نمایندگان وقت مجلس شورای ملی چگونه و با چه اقداماتی در پیشبرد اهداف خود در این زمینه گام برداشته‌اند، از اهمیت بسیاری برخوردار است. بدین سبب تلاش می‌شود تا موضع دولت و مجلس شورای ملی در قبال این موضوع بعد از کودتای ۲۸ مرداد، مورد بررسی قرار گیرد. نتیجه به دست آمده، نشان می‌دهد که دولت با استفاده از دیپلماسی فعال، و هم‌سو با آن، مجلس شورای ملی - با اتخاذ سیاست سکوت - به منظور تحکیم حاکمیت ایران در جزایر و به‌رغم صرف‌نظر از برخی منافع خود در مناطقی چون بحرین، در جهت هدف مورد نظر اقدام کرد.

**کلیدواژه‌ها:** پهلوی دوم، جزایر سه گانه، مواضع بریتانیا، دولت، مجلس شورای ملی.

## مقدمه

نگاهی گذرا به مسئله جزایر سه‌گانه، پیش از کودتای ۲۸ مرداد

جزایر تنب و ابوموسی از جمله جزایر مهم ایران به شمار می‌روند که بر سر راه ورود و خروج کشتی‌ها در تنگه هرمز قرار دارند. این جزایر، تکیه‌گاه‌های دفاعی مناسبی برای تنگه هرمز و نقاط کنترلی مناسبی برای سواحل جنوبی خلیج فارس محسوب می‌شوند و حاکمیت بر آن‌ها موجب تقویت قدرت و کنترل منطقه از حیث مسائل نظامی، سیاسی و تجاری است. این جزایر از گذشته‌های دور، بخشی از قلمرو ایران بوده‌اند که با گسترش دامنه استعمار بریتانیا در منطقه خلیج فارس، به دلیل وقوف بر اهمیت جغرافیایی آن، صحنه کشاکش و درگیری بین ایران و انگلستان در حمایت از اعراب برای تصاحب این جزایر بارز شده‌اند.

افول قدرت صفویان در آغاز قرن هجدهم ناآرامی‌های بسیاری را در سراسر ایران سبب شد. اوضاع آشفته ایران در اطراف مناطقی چون بندرعباس و هرمز در اواخر دهه ۱۷۲۰م. موجب سودجویی شیوخ قاسمی مسندم گردید تا با بهره‌مندی از فرصت به دست آمده، باسعیدو در کنار جزیره قشم را اشغال کنند.<sup>۱</sup> اما در سال ۱۷۳۷م. شیوخ قاسمی از این منطقه بیرون رانده شدند. پس از وفات نادرشاه در سال ۱۷۴۷م. قواسم بار دیگر به سواحل ایران بازگشتند تا آنکه در سال ۱۷۶۷م. قوای کریم‌خان زند آن‌ها را از بندرلنگه بیرون کرد. به دنبال فوت کریم‌خان در سال ۱۷۷۹م. دور جدیدی از تحرکات قبیله‌ای در حوزه خلیج فارس آغاز شد و شاخه‌ای از قاسمیان توانستند خود را به بندرلنگه برسانند و با دریافت اجازه از فرماندار بندرعباس اداره بندرلنگه را به دست آورند.<sup>۲</sup>

بندرلنگه در آن دوران مرکز ولایتی بود که بندرهای کنگ، لافت، چارک، جزایر قشم، کیش، تنب بزرگ، تنب کوچک، ابوموسی و سیری توابع آن بودند. پس از این دوره، آن‌ها به عنوان اتباع و مأموران دولت ایران تا سال ۱۸۸۷م. در بندرلنگه حضور داشتند و مالیات خود را به والی فارس پرداخت می‌کردند؛<sup>۳</sup> بدین سبب از لحاظ سیاسی، بیشتر با حکومت ایران مطابقت می‌یافتند تا با قبایل خویشاوند و مشابه خود در حاشیه جنوبی خلیج فارس. این در حالی بود که اقوام آن‌ها در سوی دیگر خلیج فارس نقش مؤثری در دزدی‌های دریایی منطقه برعهده داشتند.

تا اواخر قرن هجدهم میلادی توجه بریتانیا به مسائل خلیج فارس بیشتر در زمینه منافع تجاری و بازرگانی بود اما در این زمان، وضعیت سیاسی جهانی و منطقه‌ای، شرایطی را به وجود آورد که انگلستان به عنوان یکی از قدرتمندترین کشورها به یک نیروی کاملاً سیاسی تبدیل شد و برای رونق تجارت خود به اعمال سیاست‌های نوین روی آورد.<sup>۴</sup> از نظر دولت بریتانیا، حفظ خلیج فارس به عنوان یک موجودیت سیاسی واحد که این دولت به راحتی قادر به اعمال نفوذ در آن باشد، امری حیاتی بود. از این رو برای حفظ موقعیت

۱. مجتهدزاده، پیروز، *خلیج فارس؛ کشورها و مرزها* (تهران: انتشارات عطایی، ۱۳۷۹)؛ ص ۱۹۲.

۲. هرمیداس باوند، داوود، *مبانی تاریخی، سیاسی و حقوقی مالکیت ایران بر جزایر تنب و ابوموسی*، ترجمه بهمن آقایی (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۷)؛ ص ۲۶.

۳. مجتهدزاده، پیروز، *کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس*، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی نوری (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۵)؛ ص ۹۴.

۴. وثوقی، محمدباقر، *تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار* (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴)؛ ص ۴۷۹.

ویژه خود با حکام و شیوخ محلی به توافق رسید تا سیستم امنیتی خاص در منطقه را با حمایت بریتانیا ایجاد کند.<sup>۱</sup>

بدین منظور در ژانویه ۱۸۲۰م. قرارداد صلحی میان سرویلیام گراند کایر، فرمانده نیروی دریایی سلطنتی انگلستان و شیوخ پنج قبیله‌نشین خودمختار مسندم به امضا رسید که بر طبق آن، شیوخ قبایل عرب ملتزم شدند که از جنگ و جدال با یکدیگر و از راهزنی در خشکی و دریا دست برداشته و مزاحم کشتی‌ها نشوند. از آن پس نام ساحل دزدان به ساحل متصالحه تغییر یافت و پس از آن نیز در سال ۱۸۹۲م.، قراردادهای دو جانبه مابین انگلستان و شیوخ منعقد گردید و آن‌ها به صورت تحت‌الحمايه دولت بریتانیا درآمدند.<sup>۲</sup> از این زمان روابط انگلستان با قواسم، شکل جدی‌تری به خود گرفت.

در سال ۱۸۸۷م. در اثر رویدادی، خودمختاری قواسم در بندرلنگه خاتمه یافت. شیخ یوسف بن محمدالقاسمی که با به قتل رساندن علی بن خلیفه، هفت سال بر ولایت خودمختار لنگه حکومت داشت، در سال ۱۸۸۵م. به دست یکی از خویشان خود به نام شیخ قزیب بن راشد به قتل رسید. با ورود شاهزاده محمدحسین میرزا حاکم بندرعباس به بندرلنگه و تعیین مالیات سالانه، شیخ قزیب به عنوان نیابت حاکم بندرلنگه تأیید گردید. اندکی بعد شیخ قزیب به تحریک انگلستان درصدد سرپیچی از دولت ایران برآمد. با این عمل، دولت ایران در اندیشه پایان دادن به خودمختاری قاسمی‌ها در بندرلنگه افتاد. نخستین گام در این راه با ایجاد درگیری مستقیم در امور لنگه برداشته شد. ائتلافی از نیروهای نظامی ایران و رؤسای طوایف عرب منطقه و از آن جمله شیخ زاید بن خلیفه حاکم ابوظبی تشکیل گردید و در یک درگیری شیخ قزیب بن راشد، رئیس طایفه قاسمی ایران دستگیر شد.<sup>۳</sup> با دستگیری وی در سال ۱۸۸۷م. دولت ایران رأساً اداره بندرلنگه را برعهده گرفت و حکومت قاسمی‌ها بر بندرلنگه خاتمه یافت.<sup>۴</sup>

در این دوره، امین‌السلطان وزیر دربار ایران درصدد اجرای ساختار جدیدی در بخش‌های اداری بنادر خلیج فارس برآمد و سازمانی با عنوان «حکومت بندرات فارس» پدید آورد. هم‌چنین فعالیت‌های مؤثری برای جلب نظر شیوخ عرب در بخش‌های جنوبی خلیج فارس به عمل آمد. مجریان این طرح احمدخان کبابی و حاج محمدمهدی ملک‌التجار بودند که با تلاش‌های بی‌وقفه، استشهادهای مهمی درباره حاکمیت ایران بر جزایر خلیج فارس از شیوخ به دست آوردند و پرچم ایران را بر فراز جزایر نصب کردند.<sup>۵</sup> این اقدام ایران مورد اعتراض انگلستان قرار گرفت. دولت بریتانیا چنین استدلال می‌کرد که جزایر مزبور قبلاً تحت حاکمیت موروثی حاکمان بندرلنگه به عنوان شیوخ قاسمی و نه به عنوان مأموران رسمی ایران بوده و این جزایر، متعلق به شیوخ شارجه می‌باشد.

۱. پیرا، فاطمه، تلاش ایران برای تثبیت حاکمیت خود بر خلیج فارس (بررسی مذاکرات ایران و انگلیس در سال‌های ۱۳۱۲-۱۳۰۶ هـ.ش/ ۱۹۳۳-۱۹۲۷ م.) (تهران: همایش بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۶)؛ ص ۱۹۳.

۲. مجتهدزاده، خلیج فارس؛ کشورها و مرزها، همان؛ ص ۱۹۳.

۳. طبرسا، نقی، حاکمیت بر جزایر ابوموسی، تنب کوچک و تنب بزرگ در روند سیاست خارجی ایران (تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه، ۱۳۸۷)؛ ص ۷۲.

۴. مجتهدزاده، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، همان؛ ص ۹۷.

۵. وثوقی، همان؛ ص ۴۷۹.

دولت بریتانیا با استناد به معاهدات تحت‌الحمایگی با شیوخ سواحل جنوبی، اشغال جزایر تنب و ابوموسی را توجیه می‌کرد. این در حالی است که با امضای قرارداد تحت‌الحمایگی میان انگلیس و شیوخ، آزادی عمل شیوخ در روابط بین‌المللی سلب شد زیرا بر اساس معاهده ۱۸۹۲م. شیوخ همه اختیارات خود در زمینه روابط بین‌المللی را به انگلستان واگذار کرده و صلاحیت اشغال نداشتند.<sup>۱</sup> در ژانویه ۱۹۰۳م. کلنل کمبل نماینده مقیم بریتانیا در منطقه خلیج فارس، در گزارش خود با توجه به ابراز علاقه تجار برای استفاده از جزیره ابوموسی به جای بندرلنگه برای تجارت با هند، پیشنهاد می‌کند که شیخ شارجه پرچم خود را به علامت مالکیت جزیره در آن جا برافرازد.<sup>۲</sup>

در همین راستا در سال ۱۹۰۴م. مسیو دامبرون که از سوی نوز، وزیر گمرکات و پست، به منظور الغای رسم اجاره‌داری و تشکیل اداره گمرک ایالتی بوشهر به سمت رئیس ایالتی گمرکات این منطقه، منصوب و به آن منطقه، اعزام گردیده بود، ضمن توفیق در الغای این رسم، اقدام به راه‌اندازی دفاتر گمرک در تمام نوار مرزی از جمله مرزهای آبی شمال خلیج فارس و جزایر متعلق به ایران در خلیج فارس نمود و در سرکشی به بنادر جنوبی، با مشاهده پرچم شیخ شارجه در جزیره ابوموسی، دستور پایین آوردن پرچم شارجه و بالا بردن پرچم ایران را در منطقه صادر کرد و دو تن از افراد گارد گمرک را در هردو جزیره تنب و ابوموسی برای مراقبت به کار گمارد.<sup>۳</sup> شیخ شارجه از این اقدام آشفته شد و سفارت بریتانیا در تهران شکوایه‌ای به نمایندگی از شیخ شارجه تقدیم دولت ایران کرد. دولت ضعیف‌شده ایران که درگیر انقلاب مشروطه‌خواهی بود، دستور داد که افراد گارد از جزیره ابوموسی فراخوانده شوند و پرچم ایران فروکشیده شود؛ با این تفاهم که هر دو طرف، از افراشتن پرچم در آن جزیره خودداری ورزند. اما بریتانیا سه روز بعد در ۱۷ ژوئن ۱۹۰۴م. با افراشتن پرچم شارجه در تنب و ابوموسی، این قرار را زیر پا گذاشت. اعتراض‌های ایران در مورد اشغال جزایر ایرانی در طی سال‌های ۱۹۰۵، ۱۹۱۲ و ۱۹۱۳م. تکرار شد اما نتیجه‌ای در پی نداشت.

در دوره رضاشاه نیز دولت ایران در ادامه سیاست‌های خود در مناطق جنوبی، دست به یک سلسله اقداماتی زد و با تکیه بر تعلق جزیره بحرین و جزایر تنب و ابوموسی، به مقابله با فعالیت‌های انگلستان در حمایت از اعراب پرداخت. با توجه به ضعف نظامی و سیاسی ایران، امکان به چالش کشیدن موقعیت بریتانیا در این منطقه، کاری صعب و دشوار بود، اما به‌رغم واقعیت‌های موجود و به یاری احساسات پرشور و فزاینده ناسیونالیستی که در ابتدا نظام جدید ایران را همراهی می‌کرد، دولت ایران تصمیم گرفت به تعریف و تحکیم دوباره موقعیت خود در خلیج فارس بپردازد. با توجه به استفاده اعراب از جزایر تنب و ابوموسی به عنوان انبار کالاهای قاچاق، این مسئله در سال ۱۳۰۷ ه.ش / ۱۹۲۸م. به طور جدی‌تری مطرح شد. در تیرماه این سال، یکی از قایق‌های موتوری اداره گمرک که در تنب مستقر بود، کشتی بادبانی بندر دویی را

۱. طبرسا، همان، ص ۱۲۵.

۲. موحد، محمدعلی، *مبالغه مستعار* (تهران: نشر کارنامه، ۱۳۸۰)؛ ص ۶۰.

۳. جالینوسی، احمد و وحید برای‌آرایی، «جزایر سه‌گانه (ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک)؛ بخش‌هایی جدانشدنی از ایران»، نشریه *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، ش: ۲۴۴-۲۴۳، آذر و دی ۱۳۸۶؛ ص ۵۳.

توقیف و پس از هدایت به بندرلنگه، محموله آن را ضبط نمود. دولت بریتانیا شدیداً به این اقدام اعتراض داشت. در پاسخ به این اعتراض، دولت ایران خاطرنشان کرد که کشتی مزبور، حامل محموله قاچاق به مقصد سواحل ایران بوده است.

در خلال دهه ۱۹۲۰م. ایران سه بار پیشنهاد کرد که اختلافات مربوط به جزایر به‌خصوص در مورد بحرین به جامعه ملل ارجاع شود. این پیشنهاد در سال‌های ۱۹۱۳م.، ۱۹۲۵م. و ۱۹۳۴م. مطرح شد اما انگلستان مانع از اجرای این امر گردید. بریتانیا می‌خواست اهداف خود را تحت لوای مذاکره از طریق ترتیبات دیگری چون معامله کردن یک گروه از جزایر ایرانی با گروه دیگر از جزایر ایران یا انصراف دولت ایران از حقوق خود در بحرین یا ابوموسی به شرط کمک برای جلوگیری از فعالیت قاچاقچیان سواحل جنوبی خلیج فارس دنبال نماید.<sup>۱</sup> در این دوره، مذاکرات میان سر رابرت کلایو و تیمورتاش آغاز گردید. در طی این مذاکرات، موضوع جزایر و بحرین پیوند خورد. دولت بریتانیا در پیش‌نویس توافقنامه‌ای که ارائه داد، پیشنهاد کرد که در قبال شناسایی ادعای مالکیت ایران بر جزیره سیری، دولت ایران به شناسایی متقابل ادعای اعراب بر جزایر تنب و ابوموسی بپردازد. اما تیمورتاش اظهار نمود که جزیره سیری، بخشی از قلمرو ایران است و نمی‌تواند طرف مذاکره قرار گیرد.<sup>۲</sup> ضمن اینکه تیمورتاش بر این مطلب تأکید می‌نمود که پرچم انگلستان باید از جزایر مذکور برداشته شود و چنانچه این اقدام که منافی حقوق حاکمیت ایران است، صورت نگیرد، دولت ایران ناچار به اعتراض خواهد شد. با وجود تلاش‌های فوق، مذاکرات بدون نتیجه پایان یافت.

در ادامه، علی‌رغم مخالفت‌های انگلستان، دیدارهای مقام‌های ایرانی از این جزایر به منظور نشان دادن خواست و اراده سیاسی خود مبنی بر تعلق جزایر به ایران، ادامه یافت. در سال ۱۹۳۳م. یک رزم‌ناو ایرانی به تنب بزرگ رفت و از ساختمان فانوس دریایی در آن جزیره دیدن کرد. همچنین در سال ۱۹۳۴م. فرماندار بندرعباس با کشتی از تنب بزرگ بازدید کرد. او در سال ۱۹۳۵م. نامه‌ای به رئیس جزیره تنب نوشت و همراه با آن، سه نسخه از فرمان شاه ایران درباره انتخابات مجلس دهم ایران را برای توزیع فوری به وی ارائه نمود. در ۱۲ آوریل ۱۹۳۹م. لایحه‌ای به مجلس ایران تقدیم شد که مربوط به تصویب قرارداد منعقد بین وزارت صنایع و معادن ایران با یک شرکت هلندی برای گمانه‌زنی، تحقیق و اکتشاف و بهره‌برداری منابع معدنی در دو حوزه معین بود. در ۱۵ آوریل ۱۹۳۹م. وزیرمختار بریتانیا در تهران به وزارت خارجه دولت متبوع خود گزارش داد که منطقه دوم این قرارداد شامل جزایر تنب و ابوموسی می‌شود، مع‌هذا دولت بریتانیا از هرگونه اعتراض به دولت ایران خودداری کرد.

در اواخر نوامبر ۱۹۳۵م. نیز بازدید از جزایر ادامه یافت و هیئت‌هایی متشکل از نمایندگان ادارات مختلف که نمایندگان وزارتخانه‌های داخله و خارجه شورای دفاع ملی و اداره گمرک در آن حضور داشتند،

۱. هرمیداس باوند، همان؛ صص ۷۴-۷۳.

۲. مجتهدزاده، پیروز، حاکمیت ایران بر جزایر تنب و ابوموسی (تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سبحان، ۱۳۸۵)؛ ص ۳۱.

به مسافرت در بنادر جنوب ایران پرداختند که این امر بار دیگر اعتراض و واکنش دولت بریتانیا را به همراه داشت.<sup>۱</sup>

در ژوئیه ۱۹۴۷ م. اداره گمرک ایران برای احقاق حق خود نسبت به حاکمیت بر جزایر با ارائه گزارشی به دولت، درخواست کرد که با تأمین پست‌های دیده‌بانی در ابوموسی و جزایر تنب علیه بازرگانی غیرقانونی، اقدامات لازم را به عمل آورد.

### مسئله جزایر سه‌گانه بعد از کودتای ۲۸ مرداد

بعد از کودتای ۲۸ مرداد، دولت ایران در ادامه فعالیت‌ها برای تجدید حاکمیت خود در جزایر، در زمان ارائه تقسیمات کشوری در سال ۱۹۵۴ م./۱۳۳۳ ه.ش.، جزایر تنب و ابوموسی را جزو استان ساحلی بنادر و جزایر خلیج فارس و دریای عمان قرار داد. طبق طرح تقسیمات اداری جدید، تنب بزرگ جزو بخش قشم قرار گرفت که خود قسمتی از حوزه بندرعباس محسوب می‌شد و جزایر تنب کوچک و ابوموسی به بخش جزیره کیش اختصاص یافت.

در سال ۱۹۵۹ م./۱۳۳۷ ه.ش. دولت ایران به منظور تثبیت مالکیت خود بر جزایر، لایحه‌ای مربوط به عرض آب‌های ساحلی ارائه داد. این لایحه با فوریت در دستور کار مجلس شورای ملی قرار گرفت. بر طبق این لایحه، مواد مربوط به قانون تعیین حدود آب‌های ساحلی و منطقه نظارت ایران مصوب ۲۴ تیر ۱۳۱۳ به شرح ذیل تغییر یافت:

ماده (۱) حق حاکمیت ایران در خارج قلمرو خشکی کشور و آب‌های داخلی شامل منطقه از دریا متصل به سواحل ایران که دریای ساحلی نامیده می‌شود، می‌باشد.

ماده (۲) حق حاکمیت مزبور شامل فضای هوایی، فوق دریایی، ساحلی و زیرکف دریایی ساحلی نیز می‌باشد.

ماده (۳) عرض دریایی ساحلی ایران در خط مبدأ آب‌های مزبور، دوازده مایل دریایی است و خط مبدأ و حدود آب‌های ساحلی را دولت با رعایت قواعد مسلم حقوق بین‌المللی عمومی تعیین خواهد کرد.

ماده (۴) در مواردی که سواحل ایران، مجاور یا مقابل سواحل کشور دیگری باشد، اگر به ترتیب دیگری بین طرفین توافق نشده باشد، حدفاصل بین آب‌های ساحلی ایران و آن کشور، خط منصفی است که کلیه نقاط آن از نزدیکترین نقاط خطوط مبدأ طرف به یک فاصله باشد.

ماده (۵) هر جزیره متعلق به ایران اعم از اینکه داخل دریای ساحلی ایران یا خارج از آن باشد، دارای دریای ساحلی مخصوص خود طبق این قانون می‌باشد. جزایری که به فاصله کمتر از ۱۲ مایل دریایی از هم واقفاند، مجموعاً در حکم جزیره واحدی بوده و حد دریای ساحلی آن از جزایری محسوب می‌گردد که نسبت به مرکز مجمع‌الجزایر از همه دورترند.

ماده (۶) آب‌های واقع بین ساحل کشور و خط مبدأ و همچنین آب‌های واقع بین جزایر متعلق به ایران که فاصله آن‌ها از یکدیگر از ۱۲ مایل دریایی تجاوز نکنند، آب‌های داخلی کشور محسوب می‌گردد.

ماده (۷) حق صید و سایر حقوقی که ایران در ماورای دریای ساحلی خود دارد، به اعتبار خود باقی است.

ماده (۸) مواردی از قانون تصویب ۲۴ تیر ۱۳۱۳ و سایر قوانین که با این قانون مغایرت دارد، در قسمتی که مغایر است، ملغی‌الأثر می‌باشد.

نمایندگان مجلس پس از شور در کمیسیون بدون هیچ‌گونه تردیدی، لایحه مزبور را به تصویب رساندند. معاون وزارت خارجه با تقدیر از نمایندگان به خاطر تصویب این لایحه اظهار داشت، دولت‌های بزرگی که دارای بحریه قوی در دریاها هستند، به‌شدت با افزایش عرض آب‌های ساحلی دولت‌های دیگر مخالفند اما علی‌رغم مخالفت این گروه، بعضی از دولت‌ها خاورمیانه که در خلیج فارس دارای ساحل هستند، عرض آب‌های ساحلی خود را به ۱۲ مایل رسانده‌اند و ایران نیز برای حفظ منافع خود تقاضای اصلاح قانون سال ۱۳۱۳ و افزایش عرض آب‌های ساحلی خود به ۱۲ مایل نموده است.<sup>۱</sup>

اقدامات دولت در خصوص اعمال حاکمیت ادامه یافت. در مه ۱۹۶۱م. در زمان نخست‌وزیری دکتر امینی، یک هلی‌کوپتر با سه سرنشین در جزیره تنب بزرگ فرود آمد که یکی ایرانی و دو نفر آمریکایی بودند. این عده، از چراغ دریایی جزیره و ساختمان‌های اطراف آن عکس‌برداری نموده و با مسئول مرکز چراغ دریایی گفتگو کردند. در دوره نخست‌وزیری علم نیز یک لنج در ۱۹ اوت ۱۹۶۳م. گروه دیگری را در جزیره پیاده کرد. دو نفر از سرنشینان، آمریکایی و مابقی ایرانی بودند.<sup>۲</sup> دولت بریتانیا در ۵ سپتامبر ۱۹۶۳م. ضمن ارائه یادداشتی به وزارت خارجه ایران، نسبت به اقدامات مذکور اعتراض کرد. در جواب نامه وزارت خارجه بریتانیا نوشته شد:

چنانچه رسماً به سفارت اعلام شده، دولت شاهنشاهی ایران جزیره تنب را بخشی از سرزمین ایران می‌شناسد که بر آن حاکمیت دارد. حاکمیت دولت شاهنشاهی بر جزیره تنب براساس حقوق بین‌الملل استوار است و این دولت هرگز حقوق خود در این جزیره را ترک نکرده است. در این شرایط، وزارت امورخارجه دولت شاهنشاهی، اعتراض سفارت را برحق نمی‌داند.<sup>۳</sup>

در این زمان در راستای تلاش‌های فوق در خصوص حاکمیت بر جزایر، ایران موفق شد حاکمیت خود را در این زمان بر جزیره سیری اعاده کند.

سه سال بعد، به هنگام مذاکره در مورد تعیین فلات قاره خلیج فارس، ایران بار دیگر مسئله جزایر سه‌گانه را مطرح کرد. مذاکرات بین ایران و بریتانیا در مورد مرزهای دریایی ایران با شیوخ عمان متصالح در ژانویه ۱۹۶۶م. شروع شد اما نظر ایران نسبت به جزایر تنب و ابوموسی، رسیدن به توافق در این مذاکرات با مشکل مواجه کرد. در سال ۱۹۶۹م. امتیاز کشف و استخراج نفت در جزیره ابوموسی و دریای سرزمینی آن تا ۳ مایل به شرکت آمریکایی نفت و گاز بیوتس واگذار شد. همچنین حاکم ام‌القوین نیز امتیاز مشابهی را به یک شرکت دیگر آمریکایی به نام شرکت نفت اکسیدنتال واگذار کرد. حوزه عملیاتی این شرکت تا ۹ مایلی آب‌های برون ساحلی جزیره ابوموسی را دربرمی‌گرفت. شرکت نفتی اکسیدنتال در فوریه ۱۹۷۰م. موفق به کشف نفت در ۹ مایلی آب‌های برون ساحلی ابوموسی شد. این امر، سبب بروز اختلاف بین حاکم شارجه و ام‌القوین گردید. در نتیجه، حاکم شارجه در مارس ۱۹۷۰م. حکمی صادر کرد که تاریخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۶۹م. در آن ثبت شده بود. به موجب این حکم، عرض آب‌های ساحلی اطراف جزیره ابوموسی به

۱. مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۹، جلسه ۲۵۶، سه‌شنبه ۱۶ دی ۱۳۳۷؛ جلسه ۲۹۰، یکشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۳۸؛ *اطلاعات*، ش: ۹۷۹۵، مورخ ۱۰/۱/۱۳۳۷.

۲. مجتهدزاده، *خلیج فارس؛ کشورها و مرزها*، همان؛ ص ۱۹۹.

۳. جعفری ولدانی، اصغر، *تحولات مرزها و نقش ژئوپلیتیک آن در خلیج فارس* (تهران: نشر قومس، ۱۳۷۴)؛ ص ۱۸۷.

۱۲ مایل افزایش یافت. این امر به مفهوم آن بود که ذخایر نفتی کشف شده توسط شرکت نفتی اکسیدنتال متعلق به ام‌القوین نیست بلکه متعلق به شارجه است.

حاکم شارجه در ۱۵ آوریل ۱۹۷۰م. حکم تکمیلی دیگری صادر کرد و عرض دریای سرزمینی این امارت را به ۱۲ مایل افزایش داد. حاکم ام‌القوین به اقدام شارجه اعتراض کرد و اکسیدنتال نیز از پذیرش اعتبار حکم صادره توسط شارجه خودداری نمود. نماینده سیاسی مقیم بریتانیا در خلیج فارس نیز با افزایش یک‌جانبه عرض دریای سرزمینی شارجه به ۱۲ مایل موافقت نکرد. در حالی که اختلاف چند جانبه مذکور در مورد ذخایر نفتی کشف شده در آب‌های اطراف جزیره ابوموسی ادامه داشت، دولت ایران بیانیه‌ای خطاب به دولت بریتانیا صادر کرد. در این بیانیه گفته شده بود که جزیره ابوموسی بخشی از قلمرو ایران است و مطابق با قوانین ایران، عرض دریای سرزمینی آن ۱۲ مایل است. همچنین در ماه مه ۱۹۷۰م. دولت ایران اعلام کرد چنانچه کمپانی‌های نفتی غرب فعالیت‌های خود را در ابوموسی در آب‌های اطراف آن متوقف نکنند، به اقدام نظامی دست خواهد زد.<sup>۱</sup> اسدالله علم در یادداشت‌های خود در این مورد نوشته است:

به دستور شاه، سفیر انگلیسی را فراخواندم تا این پیغام را به او بدهم که اگر شیوخ شارجه و ام‌القوین اقدام به حفر چاه‌های نفت در آب‌های ابوموسی بکنند، ایران از دخالت نظامی خودداری خواهد کرد.<sup>۲</sup>

به دنبال اعمال حاکمیت ایران بر جزیره ابوموسی و آب‌های ساحلی آن تا ۱۲ مایل و تهدید به استفاده از نیروی نظامی، دولت بریتانیا به ام‌القوین دستور داد تا از ادعای خود نسبت به مناطق دریایی مورد اختلاف صرف نظر کند و بیش از این اجازه ندهد که شرکت نفتی اکسیدنتال در ۱۲ مایلی آب‌های ساحلی جزیره ابوموسی به اکتشافات نفتی بپردازد اما حاکم ام‌القوین این توصیه را نپذیرفت. در نتیجه، دولت بریتانیا در اول ژوئن ۱۹۷۰م. با اقدامات نظامی عملیات حفاری شرکت مذکور را متوقف ساخت.<sup>۳</sup>

تا این زمان دولت ایران همواره موضوع تعلق جزایر به ایران را در طی مذاکرات خود با نمایندگان بریتانیا در تهران و لندن مطرح می‌نمود و از موضع خود در قبال این مسئله عقب نمی‌نشست. نمونه این امر را می‌توان در گفتگوی شاه با داگلاس هیوم وزیر امور خارجه انگلیس در سال ۱۹۷۰م مشاهده نمود. شاه در این گفت‌وگو اشاره کرد:

مسئله مهم و اصلی برای ایران، جزایر تنب و ابوموسی است. این جزایر متعلق به ایران است و باید به ایران برگردد. این جزایر، تابع ایران بوده و به لطایف‌الحیل مانع اجرای این حقوق حاکمیت ایران شده‌اند و به هیچ‌وجه میسر نخواهد بود که ایران از حقوق خود بر این جزایر صرف نظر کند. تمام مسائل خلیج فارس بستگی به حل این مسئله دارد و تا زمانی که این موضوع حل نگردد، کاری نمی‌شود انجام داد. اگر حکام حاضر باشند، از راه مذاکره این موضوع حل می‌شود و الا به قسم دیگر آن را حل می‌کنیم.

هیوم نیز در پاسخ گفت:

۱. جعفری ولدانی، «چگونگی شکل‌گیری منازعه بر سر جزایر ایرانی تنب و ابوموسی و حل و فصل آن»، پژوهش حقوق و سیاست، ش:

۴، سال ۳، ۱۳۸۱؛ ص ۲۲۷

۲. علم، اسدالله، گفت‌وگوی من با شاه، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی (تهران: انتشارات صبا، ۱۳۷۱)؛ ص ۲۳۹.

۳. جعفری ولدانی، «چگونگی شکل‌گیری منازعه بر سر جزایر ایرانی تنب و ابوموسی و حل و فصل آن»، همان؛ ص ۲۲۸.



ما به نحوی به اهمیت مسئله جزایر در حل مسائل خلیج فارس واقفیم و مایلیم قبل از ترک خلیج فارس، ترتیبات لازم برای امنیت داده شود.<sup>۱</sup>

در سال ۱۹۶۸م. دولت بریتانیا اعلام کرد که تا پایان سال ۱۹۷۱م. نیروهای خود را از خلیج فارس بیرون خواهد برد. در حقیقت، دولت بریتانیا در این زمان به دلیل فشارهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به خصوص از جانب سازمان ملل متحد، دیگر قادر به نگهداری نیروهایش در خلیج فارس نبود؛ از سوی دیگر، بریتانیا که تقریباً ۱۵۰ سال بر منطقه تسلط داشت و با اعمال یک سیاست حمایتی از دولت‌های خلیج فارس و خاورمیانه، از کلیه امکانات مادی و معنوی آنان بهره‌مند شده بود، دیگر انگیزه‌ای برای اجرای نقش ژاندارمی خود در منطقه نداشت.<sup>۲</sup>

در کنار این مسئله، در این برهه زمانی، ایران با حمایت امریکا در راستای اجرای دکترین نیکسون مبنی بر سیاست دوستی، خواستار افزایش و تحکیم نقش خود در منطقه بود. بنابراین حکومت ایران با توجه به برنامه دولت بریتانیا در عزیمت از خلیج فارس و تشکیل امارات متحده عربی، تقاضای بازگرداندن تنب‌ها و ابوموسی به ایران را از سر گرفت. ایران مصمم بود که منازعه بر سر مالکیت تنب و ابوموسی از بریتانیا به امارات به ارث نرسد و به عنوان مانعی در راه همکاری میان ایران و همسایگان عرب آن در خلیج فارس درنیاورد. اعلام ایران مبنی بر اینکه از به رسمیت شناختن فدراسیونی از امارات عربی که دربرگیرنده سرزمین‌های متعلق به ایران باشد، خودداری خواهد کرد، کار تشکیل فدراسیون را شدیداً پیچیده ساخت. عربستان هم اعلام کرده بود که نظر به اختلافات ارضی با ابوظبی، این فدراسیون را به رسمیت نخواهد شناخت، لذا بریتانیا نتیجه‌گیری کرد که بدون حسن نیت قدرت‌های منطقه‌ای، ایجاد اتحادیه‌ای از امیرنشین‌های متصالحه، آن را در وضع آسیب‌پذیری قرار خواهد داد. بدین جهت، دور جدیدی از مذاکرات بریتانیا با ایران جهت حل مسائل باقی‌مانده اختلاف برانگیز آغاز شد.

از سوی بریتانیا، سر ویلیام لوس واپسین نماینده سیاسی بریتانیا در خلیج فارس و از سوی ایران، امیرخسرو افشار سفیر ایران در لندن، مأمور گفت‌وگو شدند. گفت‌وگوهای پایانی در ۱۱ نوامبر ۱۹۷۱م. در تهران آغاز شد. گفت‌وگوهایی که به سبب نزدیک بودن خروج نیروهای بریتانیا از منطقه، بسیار حساس و تعیین‌کننده توصیف می‌شد. وی در حدود شش بار به ایران و هفت بار به امارات سفر کرد.<sup>۳</sup> ایران در مذاکرات خواهان آن بود که موضوع جزایر سه‌گانه و بحرین در کنار هم حل و فصل شود اما این موضوع مورد قبول انگلستان نبود.<sup>۴</sup> سفیر انگلستان در تهران در گفت‌وگویی با اسدالله علم اصرار می‌کرد که موضوع جزایر سه‌گانه و بحرین به عنوان دو موضوع جداگانه و بدون ارتباط با هم مطرح شود و حتی در صحبت‌های خود، علم را تشویق به اشغال جزایر تنب می‌کرد ولی در مورد ابوموسی اکراه داشت.

۱. طبرسا، همان؛ ص ۲۶۳.

۲. امینی، علیرضا، تاریخ روابط خارجی ایران در دوره پهلوی (تهران: صدای معاصر، ۱۳۸۱)؛ ص ۱۹۸.

۳. جعفری‌ولدانی، اصغر، نگاهی تاریخی به جزایر تنب و ابوموسی (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶)؛ ص ۲۲۳.

۴. مجتهدزاده، پیروز، جزایر تنب و ابوموسی؛ رهنمودی در کاوش برای صلح و همکاری در خلیج فارس، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی نوری (تهران: مؤسسه انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵)؛ ص ۷۰.

با حل مسئله بحرین، ایران تمام تلاش خود را معطوف به حل مسئله جزایر کرد. ایران برای حفظ موقعیت خویش و برعهده گرفتن نقش مناسبی در منطقه خلیج فارس، نیازمند آن بود که جزایر مذکور در نزدیکی تنگه هرمز را بازپس گرفته و به اختلافات دیرینه زاینده عصر استعمار پیش از خروج بریتانیا پایان دهد. در طی مذاکرات بین ایران و انگلیس، پیشنهادهای مختلفی مطرح شد، از جمله آنکه انگلستان پیشنهاد تقسیم جزایر را بین طرفین مطرح کرد اما ایران، خواستار هر سه جزیره بود. همچنین بریتانیا پیشنهاد تصرف جزایر توسط ایران را البته بدون داشتن حق حاکمیت ارائه داد. سومین پیشنهاد، ایجاد پادگان مشترک در جزایر بود که شیخ رأس الخیمه اعلام کرده بود باید این پادگان تحت نظر افسران وی اداره شود؛ دیگر آنکه اعراب، این جزیره را به ایران اجاره دهند اما مطرح شدن این پیشنهاد نیز راه به جایی نبرد.

در همین زمان، مذاکراتی نیز مابین وزیر امور خارجه ایران با نماینده ویژه بریتانیا صورت گرفت. وزیر خارجه در گفت و گوهای خود بر این مطلب تأکید می نمود که بعد از حل مسئله بحرین، برای شاه میسر نخواهد بود که در خصوص مسئله جزایر، گذشت دیگری را انجام دهد. اگر ایران نتواند موضوع را از راه دوستانه حل نماید، به زور متوسل خواهد شد زیرا بریتانیا اعلام نموده بود چنانچه موضوع بحرین حل شود، برای حل مسئله جزایر، مشکلی وجود نخواهد داشت.<sup>۱</sup>

دولت ایران از سال ۱۹۷۰م. شروع به اعمال فشار بر بریتانیا کرد تا این دولت را وادار به اقدام جدی تری نماید. با توجه به اهمیتی که این جزایر برای ایران داشت، روزنامه تأیید در مقاله ای که در ارتباط با این موضوع به چاپ رساند، نوشت:

به دست آوردن کنترل نظامی ایران بر این جزایر، حکم یک مسئله حیثیتی را دارد و گرنه در زمان حاضر، تهدید نسبت به این جزایر، وجود ندارد. این در حالی است که شیوخ عرب نیز حاضر به از دست دادن سرزمین هایی که به احتمال دارای منابع سرشار نفتی است، نیستند.

هم چنین در این مقاله، اشاره شد که یکی از راه های غلبه بر این مشکل، میانجی گری عربستان سعودی است.<sup>۲</sup>

اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه ایران نیز در این زمان برای روشن کردن سیاست ایران نسبت به جزایر، در سخنرانی خود اعلام کرد که سیاست ایران در خلیج فارس، مبتنی بر صلح و دوستی و احترام به حق حاکمیت همه کشورهای این منطقه است اما ایران به هیچ وجه نمی تواند از حقوق قانونی حاکمیت خود بر جزایر تنب و ابوموسی چشم ببوشد و بدون تأمین حقوق کامل ایران در مورد این جزایر، صلح و ثبات در خلیج فارس برقرار نخواهد شد.<sup>۳</sup>

با رسیدن به سال ۱۳۵۰ ه.ش. فعالیت های دولت برای اعلام مواضع ایران شدت یافت. امیرعباس هویدا نخست وزیر وقت در سخنرانی خود در روز ششم تیر ۱۳۵۰ ه.ش. در جمع مردم بندرعباس گفت که ایرانی نمی تواند نسبت به آینده خلیج فارس بی تفاوت باشد. این منطقه، شاهراه حیاتی کشور است و ایران، جزایر

۱. طبرسا، همان؛ ص ۲۶۸.

۲. پیک خجسته، ش: ۹۱۸، مورخ ۱۳۴۹/۹/۲۹؛ ش: ۹۳۶، مورخ ۱۳۵۰/۸/۲۳.

۳. اطلاعات، ش: ۱۳۳۸۰، مورخ ۱۳۴۹/۱۰/۱۶.

مذکور را برای امنیت و کامیابی خود نیاز دارد؛ هدفی که برای نیل به آن، در صورت عدم موفقیت از راه‌های مسالمت‌آمیز، با تمام توان خواهد جنگید. محمدرزاشاه نیز در طی سفر به سوئیس با تأیید سخنان هویدا، احتمال استفاده از زور و فشار را در صورت عدم حصول نتیجه اعلام کرد.<sup>۱</sup> ایران علی‌رغم تهدید به استفاده از نیروی نظامی همچنان تلاش داشت تا مسئله جزایر را از طریق مسالمت‌آمیز حل و فصل نماید و این امر، سبب طولانی شدن مذاکرات شد.

نکته جالب توجه در این دوره، سکوت مجلس شورای ملی در ارتباط با موضوع جزایر بود. در تمامی مجالسی که پس از کودتای ۲۸ مرداد تا زمان ورود نیروهای ایرانی به جزایر برپا شده، هیچ‌گاه سخنی از این جزایر، چگونگی غصب آن‌ها، حق مالکیت و تلاش‌های ایران برای بازپس‌گیری آن به میان نیامده است. در این مجالس، هر زمانی که موضوع بحرین و مالکیت ایران پیش کشیده می‌شد، نمایندگان با جدیت فراوان و احساسات زایدالوصف وطن‌پرستانه، بحرین را جزئی از خاک ایران به شمار آورده و جدایی از آن را امکان‌ناپذیر می‌دانستند و تنها پس از مذاکرات پنهانی مقامات و تصمیمات اتخاذ شده برای جدایی از آن، از موضع خویش به دلایلی خاص عقب نشستند. اما در موضوع جزایر سه‌گانه سکوتی محض در مجلس دیده می‌شود. در حقیقت، دولت‌های وقت پس از کودتا با سخنرانی‌ها و اقدامات هرچند کوچک اما تأثیرگذار خود بر موضع خویش در قبال این جزایر پافشاری می‌کردند. اما مجلس ایران به دور از هیاهوها و جنجال‌های تبلیغاتی رسانه‌های داخلی و خارجی و زمامداران وقت، در برابر این مسئله، موضع سکوت در پیش گرفت و هیچ‌گاه سخنی در ارتباط با اعمال حق حاکمیت ایران بر جزایر از سوی نمایندگان مطرح نگردید. این موضوع، نکته سؤال‌برانگیزی است که چرا مجلس ایران در زمانی که دولت‌های وقت در مقام دفاع از حقانیت ایران در برابر شیوخ عرب برمی‌آمدند، راه دیگری در پیش گرفت. از جمله مسائلی که در این ارتباط وجود دارد، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

(۱) پیش‌گیری سیاست سکوت، برنامه دیکته شده دولت‌های وقت: از جمله فرضیه‌هایی که در گام اول به ذهن متبادر می‌گردد، آن است که به دلیل ارتباط مستقیم مجلس و هیئت حاکمه در این دوران، این نهاد براساس سیاست دولت تعیین موضع می‌کرد. شرایط و وضعیت مجلس پس از کودتا، به‌گونه‌ای بود که افرادی امکان حضور در مجلس را می‌یافتند که مجری سیاست‌های دولت باشند؛ بدین سبب دولت با این زمینه می‌توانست در هر زمانی بنا به خواست خویش، موضع مجلس در مورد هر مسئله‌ای را تعیین نماید؛ همان‌گونه که در شروع جنگ ظفار، سیاست‌های دیکته شده دولت موجب شد نمایندگان مجلس از حضور نیروهای ایران در این جنگ، سخنی به میان نیاورند. اما این فرض با منطبق موجود، سازگار نیست زیرا مسئله جزایر برای ایران حیاتی به شمار می‌آمد و در شرایطی که دولت‌های وقت به صراحت از حقانیت ایران بر جزایر دفاع می‌کردند، مجلس به عنوان نهاد در پیوند با دولت، باید سیاست‌های دولت را مورد تأیید قرار می‌داد.

(۲) اطمینان از تعلق جزایر به ایران: فرض دیگر آن است که نمایندگان مجلس اطمینان داشتند جزایر مذکور، متعلق به ایران بوده و هیچ قدرت خارجی نمی‌تواند آن را از ایران جدا سازد؛ از این جهت، نیازی به ابراز آن

۱. اطلاعات، ش: ۱۳۵۲۹، مورخ ۱۶/۴/۱۳۵۰.

نمی‌دیدند؛ در صورتی که سخنان گاه و بیگاه رؤسای دولت و شخص شاه مبنی بر حاکمیت ایران بر جزایر و تأکید بر این مطلب، گویای عدم اطمینان آن‌ها از رویدادهای آتی و سرنوشت جزایر بود.

۳) بیم از قدرت بریتانیا در منطقه: حضور قدرت فعال بریتانیا در منطقه و حمایت‌های فراوان این دولت از شیوخ تحت‌الحمایه خویش خصوصاً شارجه و رأس‌الخیمه برای از دست ندادن جزایر و عدم توانایی ایران برای قانع نمودن این دولت، مجلس و گاه دولت را به تأمل و سکوت برای یافتن راهی مطمئن و مناسب وامی‌داشت. اگرچه بعد از جنگ جهانی دوم، بریتانیا قدرت دیرینه خود را تاحدی از دست داد و از موضع خود عقب نشست و با حضور قدرتی به نام آمریکا در کنار خود مواجه شد اما کماکان قدرت اصلی منطقه خلیج فارس به شمار می‌آمد و برخورد با این دولت و به خطر افتادن منافع آن می‌توانست تبعات ناگواری در پی داشته باشد.

۴) جلوگیری از ایجاد تنش با اعراب: در این زمان، ناسیونالیسم عربی به کمک تلاش‌های جمال عبدالناصر مصری و حزب بعث عبدالکریم قاسم، در منطقه گسترش یافته بود و حضور ایران به عنوان یک قدرت غیرعرب در منطقه، احساسات ضدایرانی آن‌ها را برمی‌انگیخت و اختلافات موجود مابین دو شیخ عرب با ایران بر سر جزایر، این مسئله را تشدید می‌نمود. شیوخ منطقه به هیچ‌وجه خواهان برتری و دست‌یابی ایران به قدرت نبودند. تلقین افکاری مبنی بر اینکه ایران درصدد دست‌یابی به قدرت و برتری در منطقه و دارای حس توسعه‌طلبی برای تصاحب سرزمین‌های آن‌هاست، موجب تحریک و واکنش بیشتر ایشان می‌گردید. تلاش‌های ایران برای بازپس‌گیری جزایری که در اصل متعلق به ایران اما در نظر اعراب جزو سرزمین عربی بود، در تحکیم این تلقینات و احساسات مؤثر می‌افتاد. از این جهت، در زمانی که زمامداران ایران به دوستی و همکاری با اعراب در منطقه تأکید می‌کردند، مجلس، سکوت در این مسئله را از جانب خود برای جلوگیری از ایجاد تنش، مناسب می‌دید.

۵) تکرار گناه نابخشودنی جدایی بحرین: در ماجرای بحرین، بسیاری از وطن‌پرستانی که سال‌ها در برابر تحریکات انگلستان و شیخ بحرین ایستادگی کرده و آن را جزئی از خاک ایران می‌دانستند، در انتظار بودند مجلسی که سال‌ها وعده بازپس‌گیری بحرین را به مردم می‌داد، در مقابل دولت، ایستادگی نموده و با انجام همه‌پرسی در این منطقه مخالفت نماید و همچنین در زمان ارائه لایحه جدایی آن از سوی دولت، براساس مستندات و حقایقی که گواه حاکمیت ایران بر بحرین بود، از پذیرش آن امتناع نماید اما این امر مهتا نشد و مجلس بر طبق نظر هیئت حاکمه، خط بطلانی بر تمامی آرمان‌های ایرانیان کشید. در موضوع جزایر نیز به دلیل ابهام‌آمیز بودن آینده جزایر و تعلق آن به ایران، مجلس برای جلوگیری از به وجود آمدن گناه نابخشودنی دیگر همانند بحرین که در آغاز با درخواست‌های مکرر از دولت، آغاز و سپس با پذیرش جدایی آن ختم شد، از ابراز نظر در این زمینه خودداری نمود.

دور آخر گفت‌وگوها مابین سفرای ایران و انگلستان در ۱۸ نوامبر پایان یافت و ویلیام لوس به هنگام حرکت از تهران، اعلام کرد که ایران و بریتانیا اختلافات خود را در مورد جزایر حل کرده‌اند. وی سپس راهی شارجه شد تا نتایج گفت‌وگوها را به اطلاع آن‌ها برساند.<sup>۱</sup>

بر پایه نوشته مجید مهران، یکی از دیپلمات‌های آگاه، ایران و رأس‌الخیمه در مورد جزایر تنب بزرگ و کوچک، نتوانستند به توافق برسند زیرا شیخ صفراقاسمی حاکم رأس‌الخیمه مبالغه‌گرافی پول طلب می‌کرد که از سوی دولت ایران پذیرفته نمی‌شد زیرا ایران نمی‌خواست سرزمین اصلی خود را با پرداخت پول پس بگیرد.<sup>۱</sup> ایران و بریتانیا، هر دو گرفتن رضایت شیخ رأس‌الخیمه در مورد جزایر تنب را لازم ندانستند زیرا جزایر تنب بالای خط میانه قرار داشت و از همین رو گفت‌وگوهای ایران و بریتانیا منجر به این شد که ایران می‌تواند این دو جزیره را پس از بیرون رفتن نیروهای بریتانیا پس بگیرد. بدین‌سان بازگرداندن جزایر تنب به ایران بر پایه توافقی نانوشته صورت گرفت.<sup>۲</sup>

وزیر امور خارجه بریتانیا در ۱۳ دسامبر ۱۹۷۱ م. یعنی سیزده روز پس از پیاده شدن نیروهای ایران در این جزایر، در مجلس عوام گفت که دولت بریتانیا، رأس‌الخیمه را آگاه کرده بود که پس از پایان گرفتن پیمان تحت‌الحمایگی، امکان دخالت نظامی بریتانیا به سود آن امارت وجود ندارد و از همین رو نیز به هنگام ورود نیروهای ایران، دو ناو جنگی بریتانیا به نام‌های ایگل و آلبیون که در آن اطراف بودند، دخالت نکردند.<sup>۳</sup>

سرانجام در نتیجه مذاکرات طولانی مابین ایران و انگلستان، در ۲۹ نوامبر ۱۹۷۱ توافق‌نامه بین ایران و شارجه در مورد جزیره ابوموسی، از سوی شیخ شارجه اعلام گردید. این توافق‌نامه در شش بند بین ایران و شارجه بسته شد. در یادداشت تفاهم ایران و حاکم شارجه آمده بود که نه ایران و نه شارجه از ادعای خود بر جزیره ابوموسی دست بر نمی‌دارند و ادعای طرف دیگر را به رسمیت نمی‌شناسند؛ ترتیبات این قرارداد عبارت بود از:

- ۱) نیروهای ایرانی وارد ابوموسی خواهند شد و مناطقی که حدود آن در نقشه پیوست تذکاریه مشخص شده است را بازپس خواهند گرفت؛
- ۲- الف) ایران در داخل منطقه‌ای که به وسیله نیروهای ایرانی تصرف شده است، از کلیه اختیارات قانونی برخوردار و پرچم ایران در این منطقه افراشته شود؛
- ۲- ب) شارجه و مابقی جزیره، اختیار خواهد داشت همان‌طور که پرچم ایران بر فراز پایگاه نظامی‌اش در اهتزاز خواهد بود، پرچم شارجه بر فراز پایگاه پلیس آن افراشته شود؛
- ۳) ایران و شارجه در مورد تعیین عرض آب‌های ساحلی به میزان ۱۲ مایل دریایی، با یکدیگر توافق دارند؛
- ۴) بهره‌برداری از منابع نفتی جزیره و بستر دریا و خاک زیرین آب‌های ساحلی آن به وسیله شرکت گاز و نفت بیوتس، طبق قرارداد به عمل خواهد آمد و ایران باید قرارداد مزبور را تصویب کند. از این پس شرکت مزبور، نیمی از درآمد نفت ناشی از بهره‌برداری خود را به ایران و نیمی دیگر را به شارجه خواهد پرداخت؛
- ۵) اتباع ایران و شارجه به‌طور مساوی از حق ماهی‌گیری در آب‌های ساحلی (ابوموسی) برخوردار خواهند بود؛

۱. مهران، مجید، در کوریدورهای وزارت خارجه چه خبر؟؛ خاطرات یک دیپلمات قدیمی (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۴)؛ ص ۴۷۶.  
 ۲. مجتهدزاده، «دخالت اتحادیه اروپا به سود توسعه‌طلبی ارضی ابوظبی در مورد جزایر تنب و ابوموسی و اهانت به یکپارچگی سرزمین ایران»، «اطلاعات سیاسی - اقتصادی»، سال ۱۸، ش: ۷ و ۸، سال ۱۳۸۳؛ ص ۶۷.  
 ۳. ممتاز، جمشید، بررسی حقوقی سیاست خارجی ایران در خصوص جزایر ایرانی خلیج فارس (ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک)، ترجمه امیرحسین رنجبریان (تهران: سیاست خارجی، ۱۳۸۱)؛ ص ۲۴۴.

۶) یک موافقت‌نامه کمک مالی بین ایران و شارجه، منعقد خواهد شد؛ موافقت‌نامه کمک مالی که در همان روز امضا شد و مقرر می‌داشت که ایران در یک دوره نُه‌ساله، هرسال مبلغ یک میلیون و نیم لیره به شارجه پرداخت خواهد کرد، مگر آنکه درآمد نفتی شارجه در این مدت از سالی سه میلیون لیره فراتر رود؛ این مبلغ تا سال ۱۳۵۵ قابل پرداخت است.<sup>۱</sup>

برخلاف توافق‌های قبلی دولت ایران با دولت‌های دیگر که طی نامه‌ای خبر آن به مجلس شورای ملی داده می‌شد، و نمایندگان با دادن رأی به لایحه، نظر مجلس را اعلام می‌نمودند، درخصوص این توافق‌نامه و چگونگی آن، هیچ‌گونه خبر یا نامه‌ای به مجلس نرسید و دولت بدون اظهارنظر نمایندگان مجلس و درخواست رأی در این مورد، به طور یک‌جانبه به امضای موافقت‌نامه پرداخت.

به موجب نامه مورخ ۲۵ نوامبر ۱۹۷۱ م. وزارت خارجه ایران به وزارت خارجه بریتانیا، هیچ عاملی در این تفاهم وجود نداشت که آزادی عمل ایران را در اعمال هر اقدامی در جزیره ابوموسی که برای حفظ امنیت جزیره و امنیت نیروهای ایرانی ضروری تشخیص داده می‌شد، محدود نماید.<sup>۲</sup>

امیر شارجه (شیخ خالد بن محمد القاسمی) نیز در ۲۹ نوامبر در بیانیه‌ای که از رادیو پخش شد، اعلام کرد که به منظور حفظ منافع مردم شارجه و تداوم روابط دوستانه و برادرانه با ایران، در خدمت به صلح و امنیت منطقه، اقدام به انعقاد این موافقت‌نامه کرده است و این موافقت‌نامه با امیدها و آرزوهای مردم شارجه تطابق دارد.<sup>۳</sup>

سرانجام ایران براساس ملاحظات منطقه‌ای، یک روز قبل از عزیمت نیروهای انگلیس، نیروهای خود را در جزایر پیاده کرد.

نیروهای ایرانی صبح روز ۳۰ نوامبر ۱۹۷۱ م. / ۹ آذر ۱۳۵۰ در ساعت شش و پانزده دقیقه در جزایر تنب و ابوموسی پیاده شدند و در ساعت ۸ در هر سه جزیره، پرچم ایران همراه با شلیک توپ افراشته شد. در جزیره تنب برخلاف انتظار، مأموران مسلح رأس الخیمه به سوی نیروهای ایرانی تیراندازی کردند که به آتش آن‌ها پاسخ داده شد. سه نفر از نیروهای ایرانی و پنج نفر از افراد پلیس رأس الخیمه کشته و پنج نفر زخمی شدند.<sup>۴</sup>

حضور نیروهای ایرانی در جزایر و عملیات آن‌ها از سوی هویدا نخست‌وزیر وقت در مجلس مطرح گردید. این اولین باری بود که در مجلس به موضوع جزایر ایرانی توجه می‌شد. جلسه روز سه‌شنبه مورخ ۹ آذر ۱۳۵۰ مجلس شورای ملی مختص بازپس‌گیری جزایر بود. امیرعباس هویدا در آغاز جلسه، گزارش کوتاهی از چگونگی حضور نیروها در جزایر ارائه داد و این موضوع با ابراز احساسات شدید نمایندگان همراه شد که در عرف مجالس، چنین امری بی‌سابقه بود. وی در سخنان خود گفت که دولت ایران به هیچ عنوان از حق سلطه و حاکمیت خود بر سراسر جزیره ابوموسی صرف‌نظر نکرده و نخواهد کرد و بنابراین حضور

1. *The Lower Gulf Island: Abu Musa and the Tunbs Dispute* (Cambridge Archive Editions), V. 6; p. 490.

۲. مجتهدزاده، کشورها و مرزها، همان؛ صص ۲۰۲.

۳. دبیری، محمدرضا، «ابوموسی؛ تفاهم لازم یا سوء تفاهم»، در: مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳)؛ صص ۲۷۰-۲۶۳.

۴. اطلاعات، ش: ۱۳۶۱، مورخ ۱۰/۹/۱۳۵۰.

مأموران محلی شارجه در قسمتی از جزیره ابوموسی نباید به هیچ‌وجه منافعی یا متناقض با این سیاست اعلام‌شده، تعبیر و تلقی گردد. دولت شاهنشاهی ایران برای اثبات حسن نیت خود در این امر مهم، به صورتی مسالمت‌آمیز، با قراردادی که قبلاً بین شارجه و یک شرکت نفتی بسته شده بود، موافقت نمود و اعلام کرد که چنانچه نفتی از این عملیات به دست آید، درآمد آن برای پیشرفت شارجه بالمناصفه تقسیم گردد؛ به‌علاوه ایران نیازهای مالی و فنی به منظور پیشرفت برنامه‌های عمرانی و اجتماعی در شارجه را تأمین خواهد کرد. در ادامه سخنان هویدا، رهبران احزاب در مجلس از طرف اعضای حزب خویش به ایراد سخن پرداختند. مصطفی الموتی و هلاکو رامبد از سوی احزاب ایران نوین و مردم، با حمایت از عملکرد دولت اعلام نمودند که اقدام ایران در مورد جزایر سه‌گانه و بحرین نشان از صلح و دوستی ایران و علاقه‌مندی این کشور به حفظ صلح و ثبات در خلیج فارس است. دکتر فضل‌الله صدر که در دوره بیست و دوم مجلس عضو فراکسیون پان‌ایرانیست بود و به دلیل دادن رأی موافق به جدایی بحرین، از این حزب اخراج شد، در این دوره مجلس با عنوان دبیرکل حزب ایرانیان به نمایندگی مجلس رسید. وی در این جلسه، به‌گونه‌ای توجیهی در مورد اقدام خود در خصوص بحرین سخن گفت و سیاست شاه در قبال این موضوع را بهترین راهی دانست که می‌توانست به کار گرفته شود. وی با تقدیر از اقدام دولت به منظور بازپس‌گیری جزایر ایرانی تنب و ابوموسی اعلام کرد که هر نوع کمک مالی و بودجه‌ای که دولت به منظور یاری و کمک به شیخ‌نشین‌ها درخواست نماید، مجلس ایران به تصویب آن اقدام خواهد کرد.

پس از پایان سخنان وی، پیشنهادی از سوی رؤسای احزاب ایران نوین و مردم، دایر به تأیید تمامی نکات مندرج در گزارش دولت در مورد جزایر مطرح شد که تمامی نمایندگان به این پیشنهاد، رأی موافق داده و آن را پذیرفتند. هویدا در پایان سخنان خویش اظهار نمود که دولت وی به سیادت در خلیج فارس معتقد نیست بلکه معتقد به همکاری و تعاون متقابل است.<sup>۱</sup>

در جلسات بعد نیز به دلیل اهمیت این موضوع، نمایندگان مجلس، قسمتی از مباحث خود را به این موضوع اختصاص دادند. مکی فیصلی نماینده خرمشهر، در این رابطه اظهار داشت، اعمال حاکمیت مالک واقعی، بر این جزایر - که در گلوگاه تنگه هرمز قرار دارد - در حفظ صلح و امنیت خلیج فارس و یک منطقه حساس از جهان فوق‌العاده مؤثر است.<sup>۲</sup>

زرین‌پور نماینده آمل نیز اعلام کرد آنچه ایران در مورد جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی انجام داده، در حدود حقوق حاکمیت ملی و اعمال آن در قلمرو تمامیت ارضی خود بوده است. استقرار ارتش ایران در جزایر هرمز نه فقط از نظر سیاسی و نظامی بلکه از لحاظ اقتصادی نیز حائز اهمیت است زیرا در حدود نود درصد بازرگانی خارجی کشورهای واقع در خلیج فارس، از طریق دریا صورت می‌گیرد و تنگه هرمز تنها معبر مهم منطقه خلیج فارس و دنیای خارج به شمار می‌رود و استقرار قوای ایران در این جزایر که در گلوگاه خلیج فارس است، در تأمین سلامت کشتیرانی در خلیج فارس و تضمین داد و ستد بین کشورهای

۱. مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۲۳، جلسه ۱۷، سه‌شنبه ۹ آذر ۱۳۵۰.

۲. همان، جلسه ۱۸، پنج‌شنبه ۱۱ آذر ۱۳۵۰.

ساحلی و شرق و غرب و حفظ صلح در این منطقه، حائز کمال اهمیت است.<sup>۱</sup> برخی از نمایندگان نیز ضمن اعلام تبریکات مردم حوزه انتخابیه خویش، از اقدام دولت ایران در بازپس‌گیری جزایر حمایت کردند.<sup>۲</sup> با استقرار نیروها در جزایر، مخالفت‌ها با این اقدام آغاز شد. شدیدترین مخالفت از سوی بغداد بود و سپس الجزایر، لیبی و یمن جنوبی نیز با یکدیگر هم‌صدا شدند و در ۱۰ آذر ۱۳۵۰ شکوایه‌ای به امضای آن‌ها علیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد، مطرح شد. هم‌چنین وزارت امور خارجه بحرين اعلامیه‌ای در تفسیر اقدام ایران به اشغال سه جزیره تنگه هرمز انتشار داد. در این اعلامیه گفته شده بود که بحرين با هرگونه توسل به زور برای حل اختلافات بین کشورها مخالف است و از اقدام ایران در مورد اشغال سه جزیره خلیج فارس دچار شگفتی شده است. جبهه خلق برای آزادی خلیج نیز با صدور اعلامیه‌ای در عدن اظهار داشت که برای آزاد کردن جزایر که توسط نیروهای ایران اشغال شده است، دامنه مبارزات مسلحانه خود را در سراسر منطقه خلیج فارس گسترش خواهد داد.<sup>۳</sup>

همزمان با این وقایع، در اجلاس فوق‌العاده اتحادیه عرب نیز با پیشنهاد عراق دایر به قطع روابط اعراب با ایران مخالفت شد. به دنبال این تصمیم، بغداد دست به مانور سیاسی زد و شرایطی را برای شناسایی فدراسیون تازه تأسیس یافته امارات از جمله لغو قرارداد ایران و شارجه در مورد جزیره ابوموسی عنوان کرد. از دیگر شرایط عراق برای شناسایی فدراسیون عبارت بود از انتشار اعلامیه‌ای از طرف فدراسیون مبنی بر رد این قرارداد و مخالفت با استقرار نیروهای ایران در جزایر تنگه هرمز، موکول کردن استقرار روابط سیاسی بین فدراسیون و ایران به اجرای شرط تخلیه جزایر مذکور از قوای ایران، اتخاذ تصمیمات جدی از طرف فدراسیون امارات برای تصفیه مراکز فعالیت‌های مظنون ایران در منطقه خلیج فارس و جلوگیری از مهاجرت ایرانیان به شیخ‌نشین‌ها. در کویت تظاهرکنندگان خواستار قطع روابط سیاسی با ایران شدند.<sup>۴</sup> ضمن آنکه شورش‌هایی نیز در رأس‌الخیمه، ابوظبی و عجمان روی داد و حتی رأس‌الخیمه برای بازپس‌گیری جزایر درصدد اتحاد با لیبی برآمد.<sup>۵</sup>

سرانجام شورای امنیت در روز ۹ دسامبر ۱۹۷۱م. / ۱۸ آذر ۱۳۵۰ با دعوت چهار کشور که در آخرین لحظه کویت و امارات عربی متحده نیز به آن‌ها ملحق شدند، تشکیل جلسه داد. این کشورها از شورای امنیت خواستند که اقدام ایران را در استقرار نیروهایش در سه جزیره دهانه خلیج فارس محکوم کند. کشورهای شرکت‌کننده عرب هم‌چنین از شورای امنیت تقاضا کردند که رفتار انگلستان را نیز به خاطر عدم اجرای قراردادها و تعهداتش نسبت به شیخ‌نشین‌ها محکوم نماید. سفیر عراق گفت که اقدام ایران نقض منشور سازمان ملل متحد است و یک اقدام توسعه‌طلبانه از جانب دولت ایران و نشانه تباخی ایران و انگلستان با کمک ایالات متحده آمریکا است. نماینده عراق، ایران را متهم کرد که یک ماشین نظامی به وجود آورده که هدف آن اجرای یک سیاست توسعه‌طلبانه ارضی است و انگلستان نیز تعهدات بین‌المللی خود را انجام

۱. همان، جلسه ۱۹، یکشنبه ۲۱ آذر ۱۳۵۰.

۲. همان، جلسه ۲۱، یکشنبه ۲۸ آذر ۱۳۵۰، جلسه ۲۴، سه‌شنبه ۳۰ آذر ۱۳۵۰.

۳. اطلاعات، ش: ۱۳۶۳، مورخ ۱۳/۹/۱۳۵۰.

۴. همان، ش: ۱۳۶۶۷، مورخ ۱۷/۹/۱۳۵۰.

۵. همان، ش: ۱۳۶۷۰، مورخ ۲۱/۹/۱۳۵۰.



نداده و باید محکوم شود. ایران می‌کوشد جریان نفت اعراب را از خلیج فارس به سایر نقاط جهان کنترل کند و به این ترتیب به عنوان یک قدرت استعماری، جانشین بریتانیای کبیر و امریکا بشود. زیرا این منطقه به منزله شریان حیاتی عراق به سوی دریاهاى آزاد است. اگر این مسئله به صورت مسالمت‌آمیز حل نشود، عراق به زور متوسل خواهد شد چراکه لشکرکشی ایران، صلح و امنیت منطقه را به خطر انداخته است. نماینده عراق گفت که مسئله خلأ قدرت در خلیج فارس از طرف ایران مطرح شده تا به عنوان یک قدرت استعماری، جانشین بریتانیای کبیر و ایالات متحده شود. نماینده عراق، از شورای امنیت خواست که متجاوزین را محکوم سازد و دستور عقب‌نشینی فوری قوای ایران را از جزایر مذکور صادر کند و انجام نشدن این کار و هرگونه قصوری از طرف شورای امنیت در این زمینه، این اثر را در دیگران باقی خواهد گذاشت که توسل به قدرت، تنها راه حل مشکلات است. نمایندگان دیگر کشورهای شرکت کننده نیز با محکوم کردن ایران، خواستار عکس‌العمل این سازمان علیه کشور شدند.

امیر خسرو افشار نماینده ایران در شورای امنیت، ضمن اعتراض در به‌کارگیری نام خلیج عربی از سوی عراق عنوان کرد که قرار دادن نام دیگر برای این دریا قلب (دگرگون کردن) حقایق انکارناپذیر تاریخی است و از سوی دیگر کوششی است در راه تغییر واقعیت‌های تاریخی. وی در ادامه اظهار داشت اصول سیاست ایران در منطقه خلیج فارس، به وجود آوردن شرایط صلح و امنیت و احترام متقابل به آزادی و استقلال کشورهای خلیج فارس است؛ ایران مقاصد توسعه‌طلبانه نداشته و به قلمرو دیگری چشم ندوخته است. وی در خصوص شکایت چهار کشور عربی اعلام کرد که اعمال حاکمیت ایران بر ابوموسی با موافقت شیخ شارجه صورت گرفته است و دیگر کشورها حق مداخله در این مورد را نخواهند داشت. وی همچنین در مورد جزایر تنب نیز اظهار داشت که به دلیل بن‌بست در مذاکرات، ایران به اعمال حق حاکمیت خود در این دو جزیره مبادرت نموده زیرا این مناطق، جزو قلمرو ایران بوده و خواهند ماند.<sup>۱</sup>

با وجود مطرح شدن شکایت، نماینده سوماتی از اعضای اتحادیه عرب پس از استماع سخنان مخالفین و دفاعیه نماینده ایران، پیشنهاد کرد که موضوع این بحث خاتمه یابد. پیشنهاد وی به تصویب شورای امنیت رسید و پرونده شکایت بسته شد. شاه در مصاحبه‌ای پس از پایان ماجرای جزایر اعلام کرد که ایران در موضوع جزایر، تجدید حاکمیت کرده است. تنگه هرمز برای ایران به منزله شاه‌رگ حیاتی است که در برابر تنگه رأس مسندم قرار دارد. این تنگه، دروازه ورودی خلیج فارس است. این نقطه، برای ایران به منزله مرگ و زندگی است و جزایری که در نزدیکی این تنگه قرار دارند، از دیرباز متعلق به ایران بوده و این کشور اجازه نخواهد داد که اداره جزایر ایرانی به دست دیگری بیفتد. مسئله جزایر، امری داخلی است و هیچ سازمان یا کشوری حق مداخله در امور آن را نخواهد داشت.<sup>۲</sup>

علی‌رغم بحث‌هایی که در این زمینه صورت گرفت و تشنجاتی که در سطح منطقه در روابط با ایران ایجاد شد، مجلس ایران از هرگونه اظهار نظر و عکس‌العملی خودداری نمود و هیچ‌یک از نمایندگان در نطق‌های قبل از دستور خود که اغلب به مسائل سیاسی روز ایران و جهان ارتباط می‌یافت، به این موضوع

۱. اطلاعات، ش: ۱۳۶۶۹، مورخ ۱۳۵۰/۹/۲۰.

۲. مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۲۳، جلسه ۱۳۴، سه‌شنبه ۱۶ آذر ۱۳۵۲؛ نیز نک: اطلاعات، ش: ۱۴۴۴۶، مورخ ۱۳۵۳/۴/۱۰.

اشاره نکردند و هرگونه اظهار نظر و بحث و جدلی را برعهده دولت گذاردند. در حقیقت، نمایندگان مجلس با توجه به ضرورت طرح مسئله و بررسی راهکارهای موجود، نه تنها مسئولیت خود را زیر سؤال بردند، بلکه مجلس را به هر دلیلی تنها به عنوان تأییدکننده صرف سیاست‌های دولت نشان دادند.

### نتیجه

جزایر سه‌گانه ایرانی در طول تاریخ خود همواره جزئی از خاک ایران به شمار می‌آمده است. اگرچه موضوع تعلق این جزایر به ایران در دوره زمانی خاص به دلیل سیاست‌های استعماری بریتانیا و همچنین به دلیل ضعف و سستی هیئت حاکمه، اندکی مورد اهمال و کم‌توجهی قرار می‌گرفت اما هرزمان که دولت‌های ایران، قدرت گذشته خود را باز می‌یافتند، بار دیگر موضوع تعلق این جزایر به ایران را مد نظر قرار می‌دادند. پس از کودتای ۲۸ مرداد و ایجاد ثبات نسبی در کشور و همچنین روی آوردن ایران به احیاء قدرت پیشین خود در منطقه خلیج فارس، توجه به حل مسائل مورد مناقشه ایران با کشورهای همجوار، مورد توجه دولتمردان قرار گرفت. از این میان، جزایر سه‌گانه ایرانی به دلیل اهمیت نظامی و موقعیت راهبردی و قرار گرفتن در نزدیکی گلوگاه هرمز، توجه بیشتری را طلب می‌نمود. با توجه به ویژگی خاص بحرین در این زمان، به دلیل آنکه این منطقه در طی سالیان گذشته به تدریج از حوزه حاکمیت ایران خارج گردیده بود و عملاً ایران از نفوذ سیاسی بسیار کمتری به دلیل قدرت خاندان عربی موجود در این منطقه و همچنین حمایت بریتانیا از شیوخ آن برخوردار بود، امکان بازپس‌گیری این جزایر به‌سختی فراهم می‌گردید. اما جزایر سه‌گانه به دلیل موقعیت خاص و همچنین نزدیکی به سواحل ایرانی و امکان نفوذ و کنترل بیشتر، از اهمیت بسیاری برخوردار و امکان چشم‌پوشی از آن غیرممکن بود. بدین سبب، هیئت حاکمه، سلسله نشست‌هایی را با هدف تثبیت حاکمیت خود در جزایر با نمایندگان بریتانیایی صورت داد و عملاً به دلیل شرایط خاص منطقه‌ای، از جمله حفظ ثبات در منطقه پس از خروج بریتانیا، تحکیم حاکمیت خود و جلوگیری از ایجاد تشنج و اختلاف بین کشورهای منطقه، زمینه حل و فصل اختلافات با شیوخ عربی را فراهم آورد و توانست حاکمیت خود را بر این جزایر تثبیت نماید. اگرچه در این زمان، اقدامات دولت برای بازپس‌گیری این جزایر، در حاله‌ای از مسائل سیاسی و دیپلماتیک غوطه‌ور بود اما مجلس ایران به عنوان یگانه مرجع قانون‌گذار در کشور عملاً از صحنه فعالیت سیاسی به دور ماند و نمایندگان مجلس علی‌رغم موضع‌گیری کم و بیش تند دولت در فواصل مختلف زمانی در خصوص جزایر، موضع سکوت را در پیش گرفته و تنها تأییدکننده صرف سیاست‌های دولت پس از پایان مناقشات بودند. درحقیقت، مجلس ایران پس از ماجرای بحرین و تأیید عدم حقانیت ایران بر این جزیره و استقلال آن، به دلیل وجود یک نوع واقعیت سیاسی نهفته، متحمل گناهی نابخشودنی گردید که آن را از صحنه فعالیت در زمینه موضع‌گیری در قبال مسئله جزایر به دور کرد. گویی در این زمان، دستگاه قانون‌گذار در کشور تنها نظاره‌گر بازی سیاست بود.

کتابنامه

- امینی، علیرضا، تاریخ روابط خارجی ایران در دوره پهلوی (تهران: صدای معاصر، ۱۳۸۱).
- پیرا، فاطمه، تلاش ایران برای تثبیت حاکمیت خود بر خلیج فارس (بررسی مذاکرات ایران و انگلیس در سال‌های ۱۳۱۲-۱۳۰۶ ه.ش/۱۹۳۳-۱۹۲۷ م)، (تهران: همایش بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۶).
- جعفری ولدانی، اصغر، تحولات مرزها و نقش ژئوپلیتیک آن در خلیج فارس (تهران، نشر قومس، ۱۳۷۴).
- \_\_\_\_\_، نگاهی تاریخی به جزایر تنب و ابوموسی (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶).
- طبرسا، نقی، حاکمیت بر جزایر ابوموسی، تنب کوچک و تنب بزرگ در روند سیاست خارجی ایران (تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه، ۱۳۸۷).
- علم، اسدالله، گفتگوی من با شاه، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی (تهران: انتشارات صبا، ۱۳۷۱).
- مجتهدزاده، پیروز، جزایر تنب و ابوموسی؛ رهنمودی در کاوش برای صلح و همکاری در خلیج فارس، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی نوری (تهران: وزارت مؤسسه انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵).
- \_\_\_\_\_، حاکمیت ایران بر جزایر تنب و ابوموسی (تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، ۱۳۸۵).
- \_\_\_\_\_، خلیج فارس؛ کشورها و مرزها (تهران: انتشارات عطایی، ۱۳۷۹).
- \_\_\_\_\_، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی نوری (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۵).
- ممتاز، جمشید، بررسی حقوقی سیاست خارجی ایران در خصوص جزایر ایرانی خلیج فارس (ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک)، ترجمه امیرحسین رنجبریان (تهران: سیاست خارجی، ۱۳۸۱).
- مهران، مجید، در کوریدورهای وزارت خارجه چه خبر؟! خاطرات یک دیپلمات قدیمی (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۴).
- موحد، محمدعلی، مبالغه مستعار (تهران: نشر کارنامه، ۱۳۸۰).
- وثوقی، محمدباقر، تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴).
- هرمیداس بوند، داوود، مبانی تاریخی، سیاسی و حقوقی مالکیت ایران بر جزایر تنب و ابوموسی، ترجمه بهمن آقایی (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۷).
- The Lower Gulf Island: Abu Musa and the Tunbs Dispute (Cambrige Archive Editions), V. 6; p. 490.*
- اسناد و مطبوعات
- اطلاعات، ش: ۱۳۳۸۰، مورخ ۱۰/۶/۱۳۴۹.
- \_\_\_\_\_، ش: ۱۳۵۲۹، مورخ ۱۴/۶/۱۳۵۰.
- \_\_\_\_\_، ش: ۱۳۶۶۱، مورخ ۱۰/۹/۱۳۵۰.
- \_\_\_\_\_، ش: ۱۳۶۶۳، مورخ ۱۳/۹/۱۳۵۰.
- \_\_\_\_\_، ش: ۱۳۶۶۷، مورخ ۱۷/۹/۱۳۵۰.
- \_\_\_\_\_، ش: ۱۳۶۶۹، مورخ ۲۰/۹/۱۳۵۰.
- \_\_\_\_\_، ش: ۱۳۶۷۰، مورخ ۲۱/۹/۱۳۵۰.
- پیک خجسته، ش: ۹۱۸، مورخ ۲۹/۹/۱۳۴۹.
- \_\_\_\_\_، ش: ۹۳۶، مورخ ۱۳/۸/۱۳۵۰.
- جالینوسی، احمد و وحید براری‌آرایی، «جزایر سه‌گانه (ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک)، بخش‌هایی جدانشدنی از ایران»، نشریه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش: ۲۴۴-۲۴۳، آذر و دی ۱۳۸۶؛ ص ۵۳.
- جعفری ولدانی، اصغر، «چگونگی شکل‌گیری منازعه بر سر جزایر ایرانی تنب و ابوموسی و حل و فصل آن»، پژوهش حقوق و سیاست، ش: ۴، سال ۳، سال ۱۳۸۱؛ ص ۲۲۷.
- دبیری، محمدرضا، «ابوموسی؛ تفاهم لازم یا سوء تفاهم»، در: مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳)؛ صص ۲۷۰-۲۶۳.
- مجتهدزاده، پیروز، «دخالت اتحادیه اروپا به سود توسعه‌طلبی ارضی ابوظبی در مورد جزایر تنب و ابوموسی و اهانت به یکپارچگی سرزمین ایران»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال ۱۸، ش: ۷ و ۸، ۱۳۸۳؛ ص ۶۷.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی.



پروہشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی